

رقابت، رقابت‌مندی و توسعه اقتصادی

مرجان فقیه نصیری*

تاریخ دریافت: ۸۶/۳/۲۴

تاریخ پذیرش: ۸۶/۵/۳

چکیده:

رقابت‌مندی در دیدگاه‌های نئوکلاسیکی بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. اما از نظر ملاحظات اجتماعی و سرمایه انسانی حائز اهمیت است. این امر تفکر مذکور را به دیدگاه اقتصاددانان توسعه نزدیک می‌کند.

در سال‌های اخیر این موضوع مطرح است که برای دستیابی به توسعه اقتصادی باید سیاست‌های رقابتی مورد توجه قرار گیرد، زیرا مقصد سیاست‌های رقابت‌مندی، اهداف اقتصادی و اجتماعی و محیط زیستی است. این سیاست‌ها باید بتواند از طریق ارتقاء کارایی زمینه پیوستن کشورهای در حال توسعه به سازمان تجارت جهانی را فراهم نماید و توان رقابتی آنها را بالا ببرد.

این مقاله با ترسیم فضای سیاستی لازم برای دستیابی به رقابت‌مندی با هدف توسعه پایدار پیشنهاداتی را برای کشورهای در حال توسعه در زمینه سیاست‌های مرتبط با رقابت‌مندی ارائه می‌کند.

کلید واژه‌ها: رقابت، رقابت‌مندی، توسعه پایدار

مقدمه:

همواره این موضوع چالش برانگیز در میان اقتصاددانان مطرح بوده و هست که توسعه اقتصادی به مفهوم افزایش مستمر سطح زندگی و رفاه و یا به بیان دیگر توسعه انسانی از چه طریق و توسط چه نهادی باید دنبال شود، به واقع سؤال این است که نقش فاعلی توسعه با کیست؟ در دیدگاه نئوکلاسیکی و نئولیبرالی، پاسخ «بازار» است. همان دست نامرئی

آدام اسمیت و یا سازوکار بازار آزاد، که همان «دولت حداقل» است. در ادامه تکوین این تفکر می‌توان نگاه اقتصاد بخش عمومی که موارد شکست بازار و مسایلی چون تنظیم بازار را مطرح می‌کند را نیز عنوان نمود که به رغم اصالت دادن به بازار، نقش دولت را فراتر از یک دولت حداقل می‌انگارد. اگر دیدگاه توسعه‌ای مطرح باشد، نقش فاعلی توسعه، متوجه دولت است، در این دیدگاه ناتوانی بازارها و مشکلات ساختارها مطرح می‌باشد، از این رو دولت توسعه‌ای جای دولت حداقل را می‌گیرد.

در تدقیق بیشتر این دواگره تفکر می‌توان دریافت که در دیدگاه اول کمتر به موضوع توزیع متعادل تر درآمد، کاهش فقر و مسایل انسانی، فرهنگی و اجتماعی پرداخته می‌شود و در دیدگاه دوم به مسائل مطروحه توجه خاص شده تا جایی که امروزه بخش عمده‌ای از اقتصاددانان توسعه مفهوم آنرا با توسعه انسانی برابر می‌دانند و هدف اصلی توسعه را بهره مند ساختن راستین انسان برمی‌شمارند. به اعتقاد کیت گریفین و تری مک کنلی، توسعه انسانی نه تنها هدف نهایی توسعه اقتصادی است بلکه بهترین وسیله ممکن برای پیشبرد توسعه نیز می‌باشد از این رو، رسیدن به عمری طولانی، برخورداری از سلامت کامل، دست یافتن به اندوخته‌ای از دانش و آگاهی، داشتن درآمد کافی برای خرید غذا، لباس و مسکن و نهایتاً مشارکت در تصمیم‌هایی که مستقیماً در زندگی افراد جامعه و سرنوشت آنها نقش دارند را کانون توجه خود می‌دانند.^۱

نظریه و مفهوم رقابت‌مندی که در دهه ۱۹۹۰ شاهد طرح آن هستیم، ابتدا توسط مایکل پورتر مطرح و سپس مورد توجه اقتصاددانان نئوکلاسیکی و اخیراً توسعه‌ای قرار گرفت. اگرچه هنوز یک پارادیم عموماً پذیرفته شده‌ای در خصوص رقابت‌مندی در میان اقتصاددانان وجود ندارد لیکن در این موضوع یک تفاهم عمومی موجود است که رقابت‌مندی به مسایل سطح زندگی مردم، مسائل غیر اقتصادی و سرمایه انسانی توجه دارد. از این رو، شاید بتوان گفت که یک همگرایی در میان تفکر نئوکلاسیکی و توسعه‌ای در حال شکل‌گیری است. این مقاله درصدد است با نگاهی گذرا به تفکرهای کلاسیکی و نئوکلاسیکی در اقتصاد و تجارت که رقابت‌مندی از تکوین این نظرات بر خواسته است و پیوند موضوع رقابت و رقابت‌مندی و نهایتاً توسعه و رقابت‌مندی، به این مطلب دست یابد که پیش‌بینی می‌شود که در دهه‌های آتی، رقابت‌مندی به عنوان الگوی توسعه در جهان مطرح خواهد شد و توجه به اعمال سیاست‌هایی برای ایجاد فضای رقابت‌مندی می‌تواند توسعه اقتصادی را فراهم آورد.

۱- سیر تکوین نظریه مزیت و رقابت مندی

زمانی که در مورد یک قانون «واقعی» و «قابل» در حوزه اقتصاد از «پل ساموئلسن» سؤال می‌شود، وی از «مزیت نسبی» نام می‌برد (هاربرلر ۱۹۷۷)^۳. هر چند که «آدام اسمیت» در فصل سوم از کتاب پنجم «ثروت ملل»^۴، با ذکر مثالی نشان می‌دهد که دو کشور می‌توانند از تجارت منفعت کسب کنند، اما تنها در فصل دوم از کتاب پنجم است که به مزیت تحت عنوان «مزیت اندوخته شده»^۵ اشاره می‌کند و اشاره‌ای به مزیت نسبی ندارد. اصول مزیت نسبی، با چارچوب «الگوی تجارت ریکاردو»^۶ گره خورده است. «دیوید ریکاردو» در کتاب «اصول اقتصاد سیاسی و مالیات»^۷، برای نخستین بار واژه «مزیت نسبی» را به کار برد^۸. در الگوی ریکاردو، نیروی کار، کالاهای نهایی را تولید کرده، بهره‌وری وی هزینه‌های تولید را مشخص کرده و اختلاف در هزینه‌های تولید، الگوی تجارت را به دست می‌دهد. در این چارچوب، ریکاردو اصول مزیت نسبی را به روشنی و در قالب یک اقتصاد دو کالایی همراه با یک عامل تولید بیان می‌کند. از جمله نتیجه‌های مهم الگوی ریکاردو در آن زمان این بود که کشورهای کوچک نیز می‌توانند در تولید یک کالای بخصوص که در تولید آن از مزیت نسبی برخوردارند، تخصص پیدا کنند؛ چرا که دستمزدها به بهره‌وری نیروی کار بستگی داشته و بهره‌وری نیروی کار نیز بین کشورهای مختلف متفاوت است.

در سه دهه ۱۹۳۰م تا ۱۹۵۰م؛ شاهد ظهور تئوری هکچر - اوهلین و تکامل آن هستیم. الگو مزیت نسبی ریکاردو به وسیله اقتصاددانان دیگر مورد پالایش قرار گرفت. در سال ۱۹۳۳ «برتیل اوهلین»^۹ کتابی را تحت عنوان «تجارت بین منطقه‌ای و بین کشوری»^{۱۰} به طبع رساند. اوهلین، تئوری ریکاردو را با تئوری دیگری شامل چندین عامل تولید و چارچوب بازارهای تولید و عوامل به هم پیوسته، جانشین کرد. تئوری او در این زمینه امروزه تحت عنوان «تئوری هکچر - اوهلین» شناخته می‌شود.

تئوری هکچر اوهلین شکل متعادل تری از تئوری ریکاردو است. مبنای تئوری هکچر - اوهلین این است که کشورها از تکنولوژی تولیدی یکسان و ذخایر طبیعی متفاوت (زمین، نیروی کار، منابع طبیعی و سرمایه) بهره برده و عوامل تولید، اساس هستند. بر اساس این تئوری، مزیت نسبی یک کشور بخصوص در صنعتی ایجاد می‌شود که گرایش به استفاده بیشتر از آن دسته از عوامل تولیدی دارد که به طور نسبی در آن کشور فراوان ترند. همچنین واردات آن کشور را کالاهایی تشکیل می‌دهند که مواد اولیه آنها به

طور نسبی در آن کشور کمتر می‌باشند. بر اساس این تئوری کشوری همانند کره که از نیروی کار مناسبی برخوردار است، باید کالاهایی را صادر کنند که کاربر بوده و کشور سوئد که از سنگ‌های معدنی با ناخالصی‌های کمتری برخوردار است، باید به صادرات محصولات فلزی بپردازد. اوهلین تنها به بیان ساده تئوری خود اکتفا کرده و بسط هندسی و ریاضی تئوری هکچر-اوهلین به وسیله «ساموئلسن»^{۱۱} و «مید»^{۱۲} انجام یافت. به این ترتیب با اضافه شدن فروض ساده‌کننده‌ای همانند، فرض وجود دو کالا، دو کشور، بازدهی ثابت نسبت به مقیاس و عوامل تولید و توابع تولید مشابه در دو کشور، یک‌الگوی مجمل اما مدلل در تجارت جهانی شکل یافت.

در دو دهه ۱۹۶۰م و ۱۹۷۰م، «تئوری چرخه تولید ورنن»^{۱۳} از وزن بیشتری نسبت به سایر تئوری‌های تجارت در این زمان برخوردار بود. «ویلفردو ورنن» الگوی «چرخه تولید» خود را نه بر مزیت‌های نسبی حاصل از نسبت عوامل بلکه بر اساس تأثیر «فاصله زمانی ابداعات»^{۱۴}، «اثر مقیاس» و «نقش عدم آگاهی و اطمینان» بر الگوهای تجارت بنا می‌کند. وی چنین ادعا می‌کند که بین «آگاهی از قواعد علمی» و «بکارگیری این قواعد در محصولات بازاری» شکاف زمانی قابل توجه‌ای وجود دارد.

در دهه ۱۹۸۰م نیز تئوری شکاف تکنولوژیک «پاسینتی» و «کروگمن» از مقبولیت زیادی برخوردار شد. این تفکر که جریان تجارت در داخل کشورها و در میان کشورهای مختلف بستگی به تفاوت‌های دانش تکنولوژیک این کشورها دارد، تاریخچه‌ای طولانی در اندیشه اقتصادی دارد. مسیر این تاریخچه را می‌توان از «دیوید هیوم» به «دیوید ریکاردو» و از وی به تئوری‌های شکاف تکنولوژیک دانست. دیدگاه اصلی تکنولوژیک در خصوص تجارت بر این عقیده است که اهمیت عامل تکنولوژی در تعیین روند تجارت به تدریج در طول زمان و به واسطه سهولت در انتقال تکنولوژی کاهش می‌یابد. انتقال تکنولوژی بین کشورهای مختلف باعث شده است که تئوری پردازان عموماً چنین فرض کنند که کشورهای مختلف از توابع تولید مشابهی برخوردارند.

با کمی تعمق در تئوری مزیت نسبی ریکاردو در می‌یابیم که این تئوری بر مبنای اختلاف در بهره‌وری نیروی کار بین ملت‌های مختلف در تولید یک کالای خاص شکل یافته است. تئوری‌های شکاف تکنولوژی با الهام از این مهم، این اختلاف در سطح بهره‌وری را در قالب وسیع‌تری تحت عنوان شکاف تکنولوژی معنی کرده و به طور ساده چنین عنوان می‌کنند که کشورهای مختلف در صنایعی امکان صادرات می‌یابند که بنگاه‌های

آنها در این صنایع از برتری تکنولوژی برخوردار باشند. کشورهای مختلف همچنین این مزیت را به ناچار با انتشار تکنولوژی و دستیابی سایر کشورها و بنگاه‌ها به آن از دست خواهند داد.

دو الگوی اساسی «بر اساس نظریه مزیت نسبی» و در جهت بیان تئوری شکاف تکنولوژی، شناخته شده‌تر از دیگر الگوها می‌باشند. الگوی پاسینتی (۱۹۸۱) که رابطه پیشرفت‌های نسبی تکنولوژیکی در بخش‌های مختلف و صادرات این بخش‌ها را به اثبات می‌رساند و الگوی کروگمن (۱۹۹۰) که مقدار صادرات هر کشور را به سطح تکنولوژی آن ربط می‌دهد.

«کروگمن»^{۱۵} در سال ۱۹۸۱ اثرات تجارت بر توزیع درآمد جهانی را با فرض برون‌زا بودن تجمیع سرمایه در بخش تولیدی برای کشورهای مختلف، مورد بررسی قرار داد. همچنین نخستین مطالعات در زمینه رابطه بین تجارت و رشد تکنولوژی به وسیله «کروگمن»^{۱۶} و در سال ۱۹۸۷ صورت پذیرفت. طی دهه ۱۹۹۰م شاهد مطالعات بیشتری در خصوص مزیت پویا هستیم. افرادی چون «گروسمن و هلمپن»^{۱۷}، «باتیز و رومر»^{۱۸}، «تیلور»^{۱۹} به آزمون رابطه بین رشد و تجارت با استفاده از یک الگوی رشد درون‌زا و با تحمیل فرض رفتاری «سرمایه‌گذاری‌های سودجویانه در تحقیق و توسعه»^{۲۰} و «تحولات ابداعات» پرداختند. «یانگ»^{۲۱} در سال ۱۹۹۱م. رابطه بین تجارت و رشد اقتصادی را با استفاده از مکانیزم «یادگیری در عمل»^{۲۲} که به عقیده وی منجر به برگزیدن کالاهای متفاوتی در امر تجارت شد، مورد آزمون قرار داد. همچنین در همین سال «استاکی»^{۲۳} رابطه بین تجارت و تجمیع سرمایه انسانی را مورد بررسی قرار داد. از دیگر مثال‌های بکارگیری مزیت پویا در الگوهای رشد درون‌زا می‌توان به مطالعات «ماتسویاما»^{۲۴} در سال ۱۹۹۲م. و «ساج و وارنر»^{۲۵} در سال ۱۹۹۵م. اشاره کرد که الگوی خود را برای اقتصادهای کوچک کاربردی ساختند و به بررسی سطوح بهره‌وری بخش کشاورزی و دارائی‌های طبیعی خدادادی بر تجارت و رشد اقتصادی پرداختند.

اگرچه از طریق نوآوری و ابداعات و هزینه‌های تحقیق و توسعه (R&D) می‌توان مزیت نسبی پویا ایجاد کرد (مزیت نسبی پویا به این معنی که بتوان هم مزیت‌های نسبی موجود را ارتقاء داد و هم ایجاد مزیت نسبی جدید نمود) و از این طریق و با کاهش هزینه‌های تولید و ارتقاء کیفیت محصولات تولیدی مزیت‌های نسبی ایجاد شده را تداوم بخشید. لیکن در نظریات جدید تجارت بین‌الملل پویایی مزیت نسبی تنها مبتنی بر نظریه

"دورتولیدی" (که نوآوری و تغییر در تکنولوژی را عامل پویایی می‌دانند) نیست و این اعتقاد وجود دارد که علاوه بر اختراع و نوآوری، بکارگیری صرفه‌های اقتصادی مقیاس تولید، تغییر در موجودی اولیه منابع به واسطه اکتشافات منابع، کارایی در تولید و تخصص و مهارت نیز از جمله عواملی هستند که سبب تغییر در مزیت نسبی کشورها می‌شوند. دیدگاه مزیت رقابتی، توسط مایکل پورتر (۱۹۹۰)^{۲۶} مطرح گردید، وی معتقد است یک کشور با توجه به ویژگی‌های خاص خود می‌تواند محیطی را فراهم کند که "خلق مزیت رقابتی" توسط بنگاه‌های داخلی، تشویق گردد، در نتیجه قادر به تولید و مبادرت به صدور کالاهایی خواهد کرد که متضمن رشد مستمر آن کشور شود. در این دیدگاه بر ماندگاری یک کشور در صحنه رقابت جهانی تأکید می‌شود.

مزیت رقابتی از طریق فرآیند پیچیده‌ای ایجاد می‌شود. تفاوت در ساختار اقتصاد ملی، فرهنگ، ارزش‌ها، نهادها و تاریخ کشورها در مزیت رقابتی کشورها تأثیر دارد و کشوری که بتواند از این عوامل در توسعه نقش بنگاه‌های خود استفاده مؤثر نماید، شرایطی را فراهم می‌آورد که نقش بنگاه‌های اقتصادی آن در اقتصاد بین‌الملل به طور مستمر افزایش می‌یابد.

از آنجاکه یک پارادایم عموماً پذیرفته شده در خصوص تعریف رقابت‌مندی وجود نداشته، لذا تعاریف مختلفی از سوی اندیشمندان و سازمان‌های مختلف (نظیر UNCTAD، OECD و ...) از این مفهوم ارایه شده است. از این رو، ابتدا با مروری بر تعاریف مختلف از رقابت‌مندی، عوامل مؤثر بر آن (که توسط سازمان‌های مختلفی نظیر مجمع جهانی اقتصاد، مؤسسه توسعه مدیریت، بانک توسعه آسیایی، کمیسیون اروپا و سازمان همکاری و توسعه اقتصادی و توسعه) مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در نهایت به جمع‌بندی از مفاهیم رقابت‌مندی با رویکرد کلان اقتصادی و خرد اقتصادی پرداخته خواهد شد.

تعاریف رقابت‌مندی

تاکنون تعاریف متعددی از رقابت‌مندی در سطح ملی (کلان) و در سطح بنگاه (خرد) ارایه شده است. در این قسمت مروری بر برخی از مهمترین تعاریف صورت می‌گیرد.

سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (۱۹۹۶) معتقد است که رقابت‌مندی عبارت است

از «سطحی از تولید کالا و خدمات کشور که در شرایط بازار آزاد بتواند تقاضای بازارهای جهانی را جذب کند و سطوح مختلف این تقاضا را برآورده سازد و در عین حال به این وسیله درآمد واقعی شهروندان را در بلندمدت افزایش دهد، انعکاسی از سطح رقابت مندی آن کشور است»^{۲۷}. این سازمان در تعریفی دیگر عنوان می‌دارد که «رقابت مندی درجه‌ای از وضعیت بازار باز است که یک کشور می‌تواند به تولید کالاها و ارائه خدمات پردازد در حالی که رقبای خارجی را در کنار خود حس می‌کند و همزمان بتواند درآمد واقعی داخلی خود را افزایش دهد»^{۲۸}.

انجمن رقابت مندی ایالات متحده آمریکا معتقد است که «رقابت مندی به معنای توانایی در افزایش تولید از طریق خلق کالاها و خدماتی با سطح بالا است که بتواند پاسخ شایسته‌ای به معیارهای بازار جهانی بدهد»^{۲۹}.

انجمن ملی رقابت مندی ایرلند (۲۰۰۱) معتقد است که «رقابت مندی عبارت است از توانایی در به دست آوردن و حفظ بازارهای داخلی و خارجی»^{۳۰}.

از دیدگاه مجمع جهانی اقتصاد^{۳۱} «رقابت مندی توانایی اقتصاد ملی در پایداری رشد یا حفظ استاندارد زندگی (درآمد سرانه) است»^{۳۲}.

از نظر (UNCTAD)^{۳۳} «واضح‌ترین نگرش به رقابت مندی، از مسیر مقایسه عملکرد اقتصاد کلان و استاندارد زندگی جامعه براساس بهره‌وری عوامل تولید به دست می‌آید. مفهوم دقیق رقابت مندی به عبارت دیگر - توانایی کشورها در فروش محصولاتشان در بازارهای جهانی است»^{۳۴}.

مؤسسه مدیریت توسعه (IMD)^{۳۵} معتقد است که «رقابت مندی ملی به مفهوم اجتماع ساده بنگاه‌های انفرادی رقابت مند نیست، بلکه نتیجه عوامل متعددی نظیر نحوه هدایت اقتصاد توسط دولت، سیاست‌های اجتماعی و مکانیزم ایجاد ارزش افزوده می‌باشد. رقابت مندی به مفهوم توانایی کشور در ایجاد ارزش افزوده و افزایش ثروت جامعه به وسیله مدیریت دارایی‌ها و ایجاد جذابیت‌ها و... است»^{۳۶}.

از نظر هیت^{۳۷} (۱۹۹۵) «رقابت مندی ملی عبارت است از میزان تولید کالاها و خدماتی که از سوی یک کشور بتواند به بازارهای جهانی راه یابد. ضمن آنکه در همین مدت درآمد واقعی شهروندان خود را افزایش داده و یا حداقل مانع کاهش آن شود»^{۳۸}.

در گزارش رقابت مندی اروپا آمده است که «اقتصادی رقابت مند است که مردم، برخوردار از سطوح بالایی از استانداردهای زندگی و اشتغال بوده و این سطوح فعالیت‌های

اقتصادی نه باعث عدم موازنه‌های خارجی غیر قابل تحمل شود و نه رفاه ناشی از رشد را در آینده به خطر بیندازد. «^{۳۹}

مؤسسه مدیریت توسعه (IMD) در تعریفی دیگر آورده است که «رقابت‌مندی حوزه‌ای از اقتصاد دانایی است که به تحلیل عوامل و سیاست‌هایی می‌پردازد که شکل دهنده توان ملل در ایجاد و نگهداری محیط بوده و منجر به ایجاد ارزش بیشتر در محیط کسب و کار و موفقیت بیشتر مردمش شود.»^{۴۰}

همچنین مجمع جهانی اقتصاد تعریف دیگری را ارائه می‌کند مبنی بر اینکه «توانایی یک کشور در به دست آوردن رشد پایدار تولید ناخالص داخلی سرانه»^{۴۱}.

مؤسسه مدیریت توسعه در گزارشی دیگر رقابت‌مندی را اینگونه تعریف می‌کند که «توانایی حال و آینده و فرصت‌های پیش روی تولیدکنندگان برای تولید کالاهای جهانی که کیفیت قیمتی و غیرقیمتی آن، محصول مناسبی را نسبت به رقبای داخلی و بین‌المللی به دست دهد، زمینه رقابت‌مندی آنها را فراهم می‌آورد»^{۴۲}.

اسکات (۱۹۸۵) تعریف می‌کند که «رقابت‌مندی ملی به توانایی یک کشور در ایجاد، تولید، توزیع و بازمینی کالا در تجارت بین‌الملل همراه با افزایش بازدهی نسبت به منابع آن باز می‌گردد»^{۴۳}.

باکلی (۱۹۸۸) معتقد است که «رقابت‌مندی شامل کارایی (دستیابی به اهداف با حداقل هزینه) و توانایی (داشتن اهداف صحیح) بوده و انتخاب اهداف مناسب است که در این زمینه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. رقابت‌مندی هر دوی «اهداف» و «وسایل دستیابی به اهداف» را شامل می‌شود»^{۴۴}.

گروه مشاورین رقابت‌مندی در اروپا (۱۹۹۵) معتقدند که «رقابت‌مندی بر عناصر بهره‌وری، کارایی و سودآوری دلالت دارد اما به خودی خود یک هدف نیست. رقابت‌مندی وسیله‌ای است برای ارتقای سطح استاندارد زندگی و افزایش رفاه اجتماعی. به طور کلی همراه با افزایش سطح بهره‌وری و کارایی به واسطه کسب تخصص در سطح بین‌المللی، رقابت‌مندی زمینه‌ای را فراهم می‌آورد که بر اساس آن دریافتی‌های افراد جامعه از طریق فرآیندی بدون تورم افزایش می‌یابد»^{۴۵}.

این گروه در دومین گزارش خود بر تعریف دیگری تأکید می‌کند مبنی بر اینکه «رقابت‌مندی وسیله‌ای برای افزایش سطح استاندارد زندگی مردم، ایجاد اشتغال و از بین بردن فقر است»^{۴۶}.

سازمان همکاری اقتصادی و توسعه OECD در سال ۱۹۹۷ تعریف دیگری را اریه می‌کند به این ترتیب که «رقابت‌مندی درجه‌ای از توانایی است که بر اساس آن یک ملت می‌تواند تحت تجارت آزاد و شرایط بازار رقابتی، به تولید کالاها و خدمات پرداخته به گونه‌ای که متناسب با سلیقه بازارهای بین‌المللی باشد و به طور همزمان سطوح درآمدی آن ملت در بلند مدت بسط یافته و در سطوح بالاتر حفظ شود»^{۴۷}.

این سازمان در گزارش دیگری بر تعریف شورای مشاورین اقتصادی ایالات متحده تأکید می‌کند «با لحاظ یک اقتصاد آزاد و وجود محدودیت‌های اندک تجاری و بازار آزاد، هدف رقابت‌مندی دستیابی به وضعیت بهتر در بازارهای بین‌المللی و هم ارتقاء استانداردهای زندگی مردم می‌باشد»^{۴۸}.

کروگمن و سامز (۱۹۸۸) معتقدند که «تغییر در الگوهای تولید باید بر پایه همکاری منظم و دقیق پیشرفت‌های فنی در فعالیتهای تولیدی و سرمایه‌گذاری فزاینده در منابع انسانی صورت پذیرد با این هدف که افزایش مداوم بهره‌وری حاصل گردد. در چارچوب فعلی جهانی شدن و تغییرات سریع فنی دستیابی به بهره‌وری دائم فزاینده، یکی از عوامل کلیدی برای رقابت‌مندی و دستیابی به استانداردهای بالاتر زندگی در میان مدت محسوب می‌شود»^{۴۹}.

در تعاریف ارائه شده نکات زیر حائز اهمیت بوده‌اند:

- ۱- رقابت‌مندی معطوف به یک اقتصاد برون نگر و توجه به شرایط نوین اقتصاد جهانی است.
 - ۲- رقابت‌مندی بر قابلیت عرضه کالاها و خدمات با کیفیت بالا و قیمت پایین به وسیله بنگاه‌ها به طور مستمر در بازارهای جهانی استوار است.
 - ۳- رقابت‌مندی متضمن پویایی و پایداری در توان رقابت است.
 - ۴- رقابت‌مندی معطوف به افزایش رفاه شهروندان، یعنی هدف اصلی شکل‌گیری تجارت بین‌الملل است.
 - ۵- رقابت‌مندی متأثر از عوامل متعدد (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و...) است و در سایه برنامه‌های ملی و هدایت اقتصاد توسط دولت‌ها حاصل می‌شود.
 - ۶- رقابت‌مندی معطوف به ارتقاء استانداردهای زندگی و درآمد واقعی است.
- برای اندازه‌گیری رقابت‌مندی شاخص‌های متعددی مطرح می‌باشد که از جمله مهمترین آنها شاخص‌هایی هستند که مجمع جهانی اقتصاد، IMD و OECD مطرح نموده‌اند.

IMD به اندازه‌گیری طیف گسترده‌ای از معیارها برای اندازه‌گیری و رقابت‌مندی سطح ملی پرداخته و نتایج مطالعات را به صورت سالیانه منتشر می‌کند.

این معیارها که از حوزه‌های مختلف انتخاب شده است در کنار عوامل اقتصادی، عوامل اجتماعی و فرهنگی را نیز دیده است و به طور کلی این مؤسسه معتقد است که کشورها لازم است محیطی را ایجاد کنند که ساختارهای کاملاً کارا وجود داشته باشد، همچنین به ایجاد نهادها و اجرای سیاست‌های مناسب در این راستا بپردازند.

مجمع جهانی اقتصاد برای تعیین رقابت‌مندی در سطح ملی علاوه بر توجه به عوامل کلان اقتصادی که در نهایت در شاخص GCI منعکس می‌شود به عوامل خرد نیز توجه نموده است. توجه به عوامل خرد تحت شاخص BCI قرار می‌گیرد و به اذعان پورتر، متغیرهای کلان اقتصادی و عوامل نهادی برای رقابت‌مندی در سطح ملی شرط لازم است، اما شرط کافی نیست. زیرا ثروت به طور واقعی در سطح خرد و به وسیله عملیات بنگاه‌ها در هر اقتصاد ایجاد می‌گردد.

اما برای سنجش رقابت‌مندی در سطح بین‌الملل می‌توان به شاخص‌های که توسط OECD ارایه شده است نیز توجه داشت.

جدول روبرو به طور مختصر عوامل موثر بر رقابت‌مندی و زیرشاخص‌هایی مورد نیاز برای محاسبه رقابت‌مندی از دیدگاه‌های مختلف را از دیدگاه سازمان‌های مختلف با یکدیگر مقایسه می‌کند.

۲- رقابت و رقابت‌مندی

در تحلیل‌های کلاسیک و نئوکلاسیکی، شرایط رقابت در بازار نیازمند برقراری فروضی به شرح زیر می‌باشند:

- هیچ یک از طرف‌های بازاری از قدرت بازاری برخوردار نباشند، به عبارتی تعداد خریداران و فروشندگان آنقدر زیاد باشد که هیچ‌یک نتوانند بر قیمت تأثیر بگذارند.
 - کالاها و خدمات به راحتی قابل مبادله با یکدیگر باشند.
 - تمامی بنگاه‌ها باید از شرایط قیمت‌گذاری یکدیگر مطلع باشند.
 - تمامی بنگاه‌ها دسترسی یکسان به منابع تولید و تکنولوژی داشته باشند
 - آزادی ورود و خروج کامل برای بنگاه‌ها وجود داشته باشد.
- در این بازار هیچگونه تضادی میان منافع خریداران و فروشندگان، همچنین منافع

شاخص جهانی توسعه انسانی GCI	بازار مالی و توسعه اقتصادی	کنسپشن اروپا	شاخص توسعه انسانی	مؤسسه توسعه مدیریت IMD	شاخص جهانی اقتصاد ICI	شاخص توسعه و توسعه انسانی	شاخص توسعه انسانی
				بله		بله	اندازه نوک
بله	بله			بله			رشد اقتصادی
				بله	بله		تروت
		بله	بله	بله		بله	تجارت بین الملل
بله				بله		بله	سرمايه گذاري
	بله		بله	بله			تامین مالی
بله			بله	بله			اشتغال
بله				بله			قیمت ها
بله				بله		بله	فاله عمومی
بله				بله		بله	سیاست های مالی
بله				بله			شاخص نوآوری
بله				بله		بله	کارایی دولت
	بله			بله		بله	ترجمه از توان
	بله	بله	بله	بله		بله	قانون رقابت و مقررات تکلیفی
		بله		بله			خوابگاه کار
		بله		بله		بله	قیمت بازار میراث
				بله		بله	چهارچوب های اجتماعی
		بله		بله	بله	بله	بهره داری
				بله			عزت ها
				بله			ارتباطات
	بله			بله	بله		بهارتها
بله				بله			کارایی بانک
بله				بله		بله	کارایی بازار میراث
	بله		بله	بله		بله	مدیریت منابع انسانی
				بله		بله	عملکرد مدیریت
				بله			آرزوها
				بله		بله	زیرساخت های یاد آبی
بله	بله		بله	بله		بله	زیرساخت های تکنولوژی
			بله	بله		بله	زیرساخت های عقاری
				بله			بهداشت و محیط زیست
				بله		بله	آموزش و پرورش

تولیدکنندگان و مصرف کنندگان وجود ندارد. لذا «شرایط تعادل» در این بازار در بردارنده «شرایط کارایی» می باشد.

اما اگر وضعیتی پدید آید که طی آن تولید از تولید بهینه اجتماعی (نقطه کارا) منحرف شود، بازار در دستیابی به کارایی تخصیص منابع یا حداکثر کردن رفاه اجتماعی (مجموع

منافع تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان) شکست خورده است.

عملکردهای انحصاری که ناشی از حذف فروزی از شرایط بازار رقابت کامل است با تأثیری که بر کاهش سطح رفاه اجتماعی برجای می‌گذارد، زمینه‌ساز مداخله‌های تنظیمی دولت می‌شوند. این امر با طرح مواردی از شکست‌های بازاری در متون اقتصادی مطرح و راهکارهایی برای جبران آن‌ها مطرح می‌شود. بدین ترتیب بدیهی است که در رابطه با عملکرد بازار و مداخله دولت در آن و حتی شدت مداخله‌گری آن نظریه‌های مختلفی وجود داشته باشد. این نظریه‌ها که زیاد می‌باشند، در یک تقسیم‌بندی کلی به صورت موارد زیر قابل ارایه هستند:^{۵۰}

الف نظریه‌های بازار.

ب نظریه‌های شکست بازار.

ج نظریه‌های نابازار.

د - نظریه‌های شکست نابازار.

نظریه‌های بازار که پیکره اصلی آن را نظریه‌های اقتصاد نئوکلاسیک تشکیل می‌دهد، بر کارکرد آزاد اقتصاد - بر اساس مالکیت خصوصی و انگیزه‌های شخصی تأکید دارند. طبق این نظریه‌ها استفاده کارا از منابع در سازوکار بازار منجر به پیشرفت اقتصادی، فناوری، افزایش سطح زندگی و حتی گاهی توزیع مناسب درآمدها می‌شود.^{۵۱} در نظریه‌های شکست بازار به این نظریه‌ها به مواردی اشاره دارند که طی آن نظام بازار (قیمت‌ها)، در تأمین شرایط بهینه اجتماعی ناتوان است.^{۵۲} به منظور تبیین بهتر موارد شکست بازار، باید موارد ایجادکننده آن را به تفکیک و به‌طور دقیق مورد بررسی قرار داد. این موارد با تقسیم‌بندی زیر بررسی می‌شوند.

الف) شکست در ساختار بازار.

ب) شکست در سازوکار بازار.

شکست در ساختار بازار بنابر عناصر نهفته در ساختار بازار رقابتی رخ می‌دهد. با توجه به اینکه در بازار رقابتی، تعداد بیشماری خریدار و فروشنده (کوچک) وجود دارد و هر کدام با در اختیار داشتن برخی عوامل کمیاب تولید (مالکیت خصوصی) به دنبال حداکثر کردن منافع شخصی (سوداگری) هستند، می‌توان به عوامل موجد شکست در ساختار بازار پی برد. کوچک بودن، مالکیت خصوصی و سوداگری هر یک عواملی هستند که اگر از حد مطلوب خود خارج شوند، منجر به شکست بازار می‌شوند، زیرا عملکرد

بازار را از مسیر صحیح آن منحرف می‌کنند. این سه عامل در بسیاری موارد، نتیجه فرایند بازار هستند و بدین ترتیب تشخیص هر یک از آنها بسیار مشکل است.^{۵۳}

شکست در سازوکار بازار از دو بعد خرد و کلان قابل بررسی است، در هر مورد، عوامل مختلف اثرگذار می‌باشند. این موارد به لحاظ دو دیدگاه «خرد» و «کلان» قابل بررسی می‌باشد.

الف) دیدگاه خرد

به لحاظ دیدگاه «خرد» شکست بازاری در نتیجه بروز عوامل مختلف رخ می‌دهد که از جمله آنها می‌توان به کالاهای عمومی، اثرات خارجی، اطلاعات نامتقارن، نقصان بازار^{۵۴} وارد زیر اشاره کرد:

ب) دیدگاه کلان

بحث کینز مبنی بر تعادل اشتغال ناقص، تعبیر شکست بازار از دیدگاه اقتصاد کلان است. شکست بازار در سطح اقتصاد کلان را می‌توان با منحنی امکانات تولید تعیین کرد. اقتصاد زمانی روی این منحنی قرار می‌گیرد که با فناوری موجود از تمامی منابع بهره‌گیری کند. ولی آیا می‌توان مطمئن بود که دست نامرئی بازار از تمامی امکانات و منابع در تولید کالاها بهره‌گیری و اشتغال کامل منابع را تضمین کند؟ آیا امکان ندارد که برخی از افراد در اقتصاد مایل به کار باشند، ولی شغلی نیابند و بیکار بمانند؟ آیا می‌توان گفت که قیمت‌ها در سطح درست خود قرار دارند؟ آیا هیچ‌وقت پیش نیامده است که اقتصاد شاهد رشد بی‌رویه قیمت‌ها بدون تولید معادل باشد؟

شواهد تجربی نشان می‌دهد که اقتصادها همچنین در بسیاری موارد با پدیده بیکاری و تورم روبرو بوده‌اند و این نشان‌دهنده شکست سازوکار در بازار است. این مسئله مبین ضرورت مداخلات دولتی در سطح کلان می‌باشد.^{۵۵}

نظریه‌های شکست بازار بر پایه این بینش به وجود آمدند که تکامل و بلوغ بازار - در عین داشتن موفقیت‌هایی با ناکارآمدی اقتصاد خردی، ناپایداری اقتصاد کلانی و نابرابری‌های اجتماعی همراه بوده است. بنابراین، نظریه‌های نابازار به همراه نظریه‌های شکست بازار (که کاستی‌ها و شکست‌های بازاری را نشان می‌دهد) بر لزوم مداخله دولت (نابازار) تأکید می‌کنند و سپس راه‌های جبران شکست بازار را مورد تحلیل قرار می‌دهند. نظریه‌های نابازار معمولاً بر یک دیدگاه آرمانی از دولت استوارند: یک دولت آگاه و کارا که می‌تواند شکست‌های بازار را تشخیص داده و با استفاده از نظریه‌های نابازار، آنها را به روش

مردم سالار چاره‌کند.^{۵۶}

وظیفه نظریه‌های نابازار تحلیل یا توجیه ابزارها و دستورالعمل‌هایی برای مداخله نهادهای نابازاری در اقتصاد است، درباره شکست‌های نابازار هنوز یک مجموعه منسجم و جامع که اعضای یک پیکره واحد را تشکیل دهد، به وجود نیامده است، اما نظریات مهمی در رابطه با آن مطرح شده که می‌توان برخی از آنها را به صورت زیر برشمرد:

نظریه انتظارات عقلایی: در این رابطه کلاسیک‌های جدید مبانی اقتصاد کلان شکست دولت در ایجاد پایداری اقتصادی را مطرح می‌سازند، زیرا اعتقاد دارند شکل‌گیری انتظارات افراد به صورت عقلایی بوده و لذا هر گونه مداخله دولتی در نهایت محکوم به شکست است.^{۵۷}

نظریه انتخاب عمومی: این نظریه بر منافع سیاست‌گذاران و بروکرات‌ها در فرایندهای نابازاری تأکید می‌ورزد و معتقد است جهت‌گیری بسیاری از سیاست‌های دولتی در نهایت به نفع گروه‌های قدرتمند سیاسی و نه عموم مردم خواهد بود.

نظریات مبتنی بر «مغالطه آرمان‌گرایی»^{۵۸}:

در این دیدگاه عنوان می‌شود که ارزیابی از عملکرد دولت در مقابل شکست بازار با آرمان‌گرایی بی‌مورد همراه است. به عبارتی اطلاعات دولت هرگز آنقدر کامل نیست که قادر باشد کارترین عملکرد ممکن را داشته باشد، در برخی موارد حتی از طریق بخش خصوصی اطلاعات نادرست نیز دریافت می‌کند و در محاسبات خود از آنها بهره می‌گیرد. لذا بدیهی است که عملکرد آن نیز توأم با ناکارآمدی باشد.

نکته حایز اهمیت در بررسی دیدگاه‌های شکست بازار در مقابل شکست نابازار این است که بازارها در تأمین کارایی و رفاه اجتماعی با کاستی‌هایی مواجه هستند، اما این به معنی آن نیست که دولت یا نابازار جایگزین مناسبی برای بازار است، چون موارد شکست نابازار نیز محتمل و مشاهده شده است.

معیار مداخله باید افزایش کارایی و در عین حال کاهش هزینه‌های مداخله باشد. تنظیم با ملاحظه کارایی، از طریق تصحیح ساختار و یا عملکرد بازار می‌تواند به مثابه مکمل سازوکار بازار و نه جایگزین آن در نظر و به کار گرفته شود.

در یک اقتصاد بازار، بنگاه‌ها برای به دست آوردن مصرف‌کنندگان با یکدیگر رقابت می‌کنند. رقابت به بنگاه‌ها انگیزه می‌دهد تا در بهترین حالت خود عمل کنند و کالاها و

خدماتی با کیفیت بالا در نازل ترین قیمت تولید نمایند. رقابت از طریق پاداش به بنگاه کارا و مجازات بنگاه‌های غیر کارا، فعالیت تجاری و ورود بنگاه‌های جدید به بازار را تشویق می‌کند. در شرایط ایده‌آل، بنگاه‌ها با انعطاف و سرعت نسبت به تغییرات تقاضاهای بازار و ورود بی‌امان بنگاه‌های جدید واکنش نشان می‌دهند. ورود بنگاه‌های جدید موجب انگیزه لازم جهت تعدیل بنگاه‌ها می‌شود، شایان ذکر است که توانایی بنگاه‌های برای تعدیل و همچنین سرعت این مقیاس کارایی بنگاه‌ها و به بیانی میزان رقابت‌مندی آنها می‌باشد.

لیکن، همانگونه که بیان شد در واقعیت، موانع زیادی وجود دارد که از رقابتی بودن بازاها جلوگیری می‌کنند و در نتیجه مانع تطبیق بنگاه‌ها با تغییرات شرایط بازار و موجب جلوگیری از شروع به کار بنگاه‌های جدید می‌شود. چنین موانعی ممکن است از عدم تقارن اطلاعات در میان بنگاه‌های رقیب در زمینه بازار، فناوری، مقررات، صرفه‌های به مقیاس پدید آید و اینکه ناشی از رفتارهای ضد رقابتی بنگاه‌های موجود در بازار برای بسط کنترل آنها بر سایر بنگاه‌ها یا ممانعت از ورود سایرین به بازار باشد.

شواهد زیادی وجود دارند که رفتارهای ضد رقابتی هم در سطح بین‌المللی و هم در سطح ملی، مانع رقابت‌مندی کشورها می‌شود بر طبق گزارش (۲۰۰۱) DFID رفتارهای ضد رقابتی در عرصه جهانی، به مراتب در کشورهای در حال توسعه گسترده‌تر می‌باشد و به فرآیند توسعه آسیب می‌رساند. به این دلیل که کشورهای در حال توسعه غالباً به واسطه پایه‌های ضعیف صنعتی به شدت به واردات متکی می‌باشند و از آنجا که واردات آنها تابعی از رفتارهای ضد رقابتی است، تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان محلی با قیمت‌هایی بالاتر مجازات می‌شوند به همین ترتیب، صادرات کشورهای در حال توسعه به کشورهایی که ممکن است اعمال ضد رقابتی در آنها وجود داشته باشد، موجب تضعیف رشد صادرات آنها می‌شوند. به بیان دیگر این امر موجب تضعیف رقابت‌مندی ملی این کشورها خواهد شد.

در سالهای اخیر شاهد مخرب‌ترین اعمال ضد رقابتی در سطح بین‌المللی بوده‌ایم. بر طبق گزارش اونت و سایرین^{۵۹}، ایالات متحده و اتحادیه اروپا، حداقل ۴۰ کارت‌ل خصوصی بین‌المللی را در دهه ۱۹۹۰ مورد پیگرد قانونی قرار داده‌اند. این نکات بر ضرورت اجرای سیاست‌های رقابتی تأکید دارد. همانگونه که در بخش قبلی در تعاریف رقابت‌مندی تأکید شد، توجه به شرایط رقابت از الزامات رقابت‌مندی محسوب می‌شود کم‌اینکه هامالیانین و

دانینگ، مؤسسه توسعه مدیریت IMD، بانک توسعه آسیایی، کمیسیون اروپا و سازمان همکاری و توسعه اقتصادی بر مقررات تنظمی و قانون رقابت در کشورها تأکید داشته و نقش دولت را هم به لحاظ اندازه و سیاست‌های مالی و پولی در رقابت‌مندی پررنگ می‌دانند.

۳- توسعه و رقابت‌مندی

ریشه اقتصاد توسعه به اقتصاد کلاسیک برمی‌گردد، متغیرهای کلاسیکی انباشت سرمایه، جمعیت و تکنولوژی متغیرهای "قوی" در تحلیل توسعه هستند. در نظر کلاسیک‌ها پس انداز، سود، انباشت سرمایه، تقاضا و توزیع درآمد، اهمیت اساسی داشته‌اند. در حال حاضر نیز موضوعات فوق، هم از لحاظ نظری و هم از لحاظ سیاست‌گذاری همچنان در اقتصاد توسعه مطرح هستند. در تکامل اندیشه توسعه در اقتصاد به طور پیوسته در دوره بعد از جنگ، صورت گرفته است. در این میان بزرگترین تغییر، در اثر تجدید حیات نئوکلاسیک‌ها از دهه ۱۹۷۰ به بعد حاصل شده است. برخی اصلاحات جدید در تحلیل نئوکلاسیکی، مبنای جدیدی برای تصحیح شکست بازار توسط دولت فراهم آورده است، اما اکنون تأکید اصلی اقتصاد توسعه آن است که دولت‌ها باید از بازار به طور کارا تر استفاده نموده و مکمل بازار باشند و نه جایگزین آن.

اگر چه رشته اقتصاد توسعه نسبت به ویژگی‌های اولیه بعد از جنگ تغییرات اساسی داشته است. اما متغیرهای کلاسیکی انباشت سرمایه، رشد جمعیت و پیشرفت تکنولوژی همچنان موضوع اصلی نظریه‌های رشد و توسعه می‌باشند. تبیین نظریه رشد درون‌زا که بر مفهوم سرمایه‌گذاری در دانش تأکید دارد به بازدهی فزاینده این عامل تولید منجر می‌شود. اکنون نظریه جدید رشد، پیشرفت تکنولوژی و تشکیل سرمایه انسانی را در مدل‌های تعادل عمومی برای رشد بلندمدت، درون‌زا فرض می‌کند.

اکنون، هم اقتصاد رفاه و هم نظریه جدید رشد، در مقایسه با آثار اولیه در زمینه توسعه بر شالوده‌های خرد روند توسعه تأکید بیشتری دارند. روز به روز مطالعات خرد و تجربی بیشتری در زمینه‌های گوناگون، مانند: بازار، سازمان صنعتی، ابداعات و سرمایه انسانی انجام می‌شوند. در مطالعات، تغذیه، بهداشت، آموزش و نیز توسعه منابع انسانی بسیار مورد توجه قرار گرفته است. در واقع، اکنون محتوای توسعه اقتصادی از شاخص‌های پولی تولید ناخالص داخلی سرانه، فراتر رفته و به شاخص‌های منتخب غیر پولی متعدد،

جهت انعکاس کیفیت زندگی و ناکید بر این نکته که توسعه اساساً به رفاه مردم و حذف فقر مربوط می‌شود) می‌پردازد. ساخت "شاخص توسعه انسانی" گامی است در این جهت.^{۶۰}

مرور مجدد به جدول شماره یک نشان می‌دهد که عوامل اجتماعی، توجه به نهادهای مختلف حقوقی، بهداشت، توجه به محیط زیست و آموزش و پرورش از جمله مواردی است که در ایجاد رقابت‌مندی کشورها حایز اهمیت است و اغلب مطالعات انجام شده نیز به این امر توجه کرده‌اند.

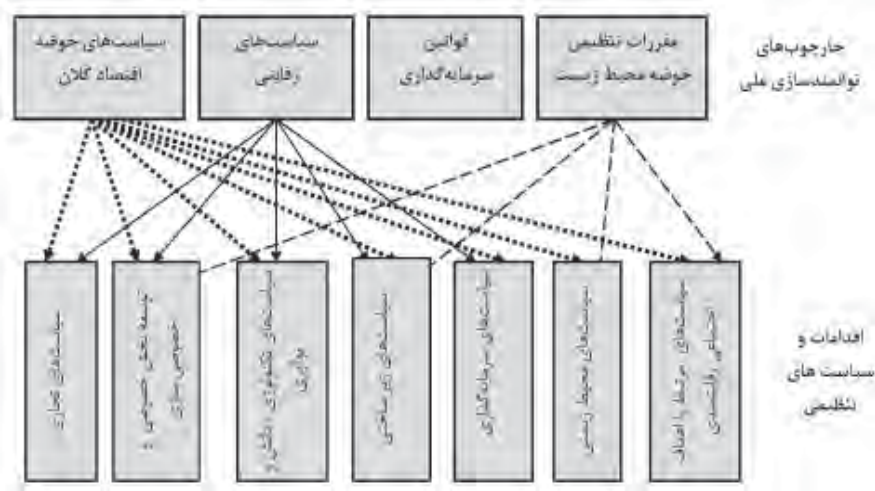
در یک مطالعه^{۶۱} که در سال ۱۳۸۵ انجام شده است با رویکرد مدل‌های رشد درون‌زا، تابع تولید کل، با ورود شاخص‌های رقابت‌مندی تبیین و تابع رشد تخمین زده شده است. در این مطالعه شاخص‌های رقابت‌مندی به سه شاخص رقابت‌مندی کار، سرمایه و تکنولوژی تفکیک و محاسبه شده است. در محاسبه شاخص نیروی کار، به منابع ایجاد سرمایه انسانی توجه و یک شاخص ترکیبی از آنها ساخته شد. نتایج مطالعه نشان داد که در کشورهای با درآمد سرانه متوسط (کشورهای در حال توسعه) توجه به شاخص‌های رقابت‌مندی کار و تکنولوژی به دلیل اولویت‌دراثرگذاری آنها بر رشد اقتصادی اینگونه کشورها بسیار حایز اهمیت است.

۴- فضای رقابت‌مندی والزامات سیاستی آن در دستیابی به توسعه

سیاست‌هایی که برای رقابت‌مندی اتخاذ می‌شوند، ممکن است بسته به کاربردهای آنها، به طور "افقی" یا "گزینشی" باشند. سیاست‌ها گزینشی ضمن اینکه اهداف اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی را مورد هدف قرار می‌دهند، لیکن بر یک منطقه خاص (در سطح استانی) یا فعالیت‌های اقتصادی متمرکز می‌شوند، سیاست‌های افقی نیز اهداف اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی را هدف قرار می‌دهد، اما این سیاست‌ها بدون تمرکز بر منطقه یا فعالیت‌های اقتصادی خاص به کارگرفته می‌شوند.

۴-۱- طبقه‌بندی سیاست‌ها و فضای سیاستی مرتبط با رقابت‌مندی

در هر فضای سیاسی، سیاست ممکن است به صورت تنظیمی (به گونه‌ای که مقررات تنظیمی "قاعده بازی" را بنا می‌نهد، و بر اجرای آن نیز نظارت می‌شود)، یا به صورت مداخله عمل کند. سیاست دوم ممکن است به شکل "علائم" اتخاذ شود که عکس‌العمل



یک بازار معینی را برانگیزد، یا مستقیم بر نقش عوامل اقتصادی (از قبیل سرمایه‌گذاران، تولیدکنندگان یا مصرف‌کنندگان) موثر افتد.

اغلب سیاست‌های تنظیمی دارای یک چارچوب توانا سازی هستند، بدین معنا که وضعیت‌های مورد نیاز برای سایر سیاست‌های ممکن، همچنین فعالین یا نهادهای تنظیم کننده را ایجاد می‌کنند. همچنین در هر جامعه‌ای مجموعه زیادی از نهادها، مقررات، عرف‌ها و اجماع عمومی وجود دارد که چشم اندازه‌ها و قابل‌سازی سیاست‌ها را حمایت و تقویت می‌کند. این سطح عمومی به سطح متناز سیاست‌ها بر می‌گردد.

ایجاد فضای رقابت‌مندی مستلزم توجه صریح به "نه" فضای سیاسی مرتبط به آن است. برای مثال سیاست‌های کلان اقتصاد، سیاست‌های رقابتی، سیاست‌های محیط زیستی و مقررات سرمایه‌گذاری، معطوف به تواناسازی ملی است، این امر پیاده‌سازی موفقیت سایر سیاست‌های مرتبط را نیز تسهیل می‌کند. فضای سیاست تجاری، فناوری، دانش، ابداع، سرمایه‌گذاری، توسعه بنگاه و خوشه‌های صنعتی، همانند زیرساخت‌ها، "جعبه‌ابزاری" را برای دستیابی به اهداف بهبود رقابت‌مندی و توسعه ظرفیت‌های بهره‌ور تشکیل می‌دهند. فضای سیاسی و چارچوب تواناسازی اقتصاد ملی را می‌توان در شکل زیر نشان داد. ۶۲

● **سیاست‌های کلان اقتصادی**

وضعیت مناسب اقتصاد کلان می‌تواند در موفقیت سایر سیاست‌ها موثر باشد و فضای مناسب را برای اجرای سیاست‌های دیگر ایجاد کند. بحران‌های مالی و پولی، تورم،



کاهش سریع ارزش ارز خارجی و عدم ثبات قیمت محصولات صادراتی منجر به عدم دستیابی به رقابت‌مندی می‌شود. تواناسازی چارچوب کلان از قبیل انضباط مالی و اهداف بودجه‌ریزی جهت‌دار (سرمایه‌گذاری عمومی)، تراز پرداخت‌ها و مکانیسم جریان سرمایه که منجر به محدود کردن آسیب‌پذیری از شوک‌های خارجی می‌شود. معیارهای تسهیل‌کننده شامل ایجاد انگیزه‌هایی برای پرورش فعالیت‌های تحقیق و توسعه و نهادهای مالی حمایت‌کننده سیاست‌های رقابت‌مندی، در توسعه بخش خصوصی و بهبود تکنولوژی و محیط زیست می‌باشند. مشوق‌ها و مقررات تنظیمی می‌تواند در جهت دستیابی بنگاه‌ها (به ویژه) به منابع مالی برای رسیدن به تکنولوژی، ابداع و یا فرآیند تجدید ساختار مؤثر باشد. این امر شامل ایجاد فضای رقابتی در بخش بانکداری و طراحی برنامه مقررات تنظیمی برای تأمین مالی آن دسته از SMEها که نامزد پیوستن به خوشه‌های صنعتی و یا به هنگام سازی خود هستند نیز می‌شود.

● سیاست‌های رقابتی

سیاست‌های رقابتی یکی از حمایت‌کننده‌های پر اهمیت برای توسعه بهره‌وری و کارایی در تخصیص منابع و اعمال فشار بر بنگاه‌ها در جهت حفظ منافع مصرف‌کنندگان، استفاده‌کنندگان محصولات واسطه‌ای و کل اقتصاد است. رقابت می‌تواند یکی از عوامل یاری‌کننده در جهت تواناسازی اقتصاد به سوی رقابت‌مندی، باشد. رقابت می‌تواند حمایت‌کننده تلاش‌های توسعه بخش خصوصی، خوشه‌های صنعتی و سیاست‌های سرمایه‌گذاری، برای تشویق آنها به امر به هنگام سازی تکنولوژی و ابداع باشد. با در نظر داشتن چنین اهدافی دو مفهوم ویژه مرتبط با رقابت‌مندی در هنگام امکان‌پذیری و اجرای یک سیاست رقابتی باید مورد توجه قرار گیرد. ابتدا اینکه سیاست‌های رقابتی باید برای قابل انعطاف بودن نیازها برای ترویج خوشه‌ها و سایر تشکل‌های رقابتی در میان بنگاه‌ها ترتیباتی فراهم آورد و خصوصاً SMEها که باید آنها را به سوی افزایش همکاری‌های مشترک هدایت کند و دارای یک رویکرد واقع بین در خصوص گسترش بیشتر ادغام‌های بین بنگاه‌های داخلی و خارجی باشد. دومین مفهوم مرتبط است با "حقوق مالکیت معنوی" و توجه به اینکه دانش برای سیاست‌های رقابت‌مندی به عنوان یک هسته مرکزی است و دستیابی به دانش می‌تواند به واسطه فعالیت‌ها و اعمال ضد رقابتی "شبکه‌های انحصاری مبتنی بر دانش" در سطح جهانی منع شود. لذا حفظ فضای رقابت برای دستیابی به دانش نیز از الزامات رقابت‌مندی محسوب می‌شود.

● سیاست تجاری

در چارچوب ارایه شده، استراتژی توسعه تجارت، سیاست تجاری تمامی کشورهای در حال توسعه محسوب می‌شود. پیاده‌سازی و ادراک از یک استراتژی برای سیاست‌های تجاری ایجاب می‌کند که دو بخش مختلف ولی ترکیبی را در نظر بگیرند. از یک طرف دستیابی به بازارهای مطمئن برای صادرات کشور و از طرف دیگر حمایت از طرف عرضه بخشی از فعالیت‌های اقتصادی کشور که برای حمایت‌های ویژه انتخاب شده‌اند و حمایت‌های خاص از آنها ضرورت دارد.

● سیاست‌های فناوری، دانش و نوآوری

گسترش فناوری یک حمایت‌کننده اصلی در بهبود رقابت‌مندی محسوب می‌شود که می‌تواند کشورهای در حال توسعه را به سمت تولید کالاها و خدمات با ارزش افزوده بالاتر سوق دهد. سیاست‌های اعمال شده بر فناوری و دانش باید در جهت پرورش فرآیندهایی در اقتصاد باشد که چگونه تولید کردن را بر پایه ابزارهای تولید مبتنی بر فناوری سوق دهد و انتقال فناوری را تسهیل نماید.

از سازوکار نوآوری خوشه‌های صنعتی، از مدیریت کیفیت SMEها حمایت کند. این سیاست‌ها باید به گونه‌ای طراحی شود که از طرح‌ها و قابلیت‌های تحقیق و توسعه حمایت کند. این سیاست‌ها باید در راستای توسعه سرمایه انسانی و دانش پایه ریزی و از آنها حمایت کند.

● سیاست‌های توسعه بنگاه‌ها، خوشه‌های تولیدی، شبکه‌ها و سرمایه‌گذاری

این سیاست‌ها در جهت توسعه رقابت‌مندی در تمامی بخش‌های اقتصادی، خصوصاً بخش خدمات اعمال می‌شود. اهداف این سیاست‌ها عبارتند از: حمایت از بهبود مدیریتی و فناوری بنگاه‌ها، به ویژه SMEها، شامل تسهیل فراهم‌آوردن کالاها و خدمات مورد نیاز و تضمین اعتبارات بانکی برای تأمین مالی نوآوری و فرآیند تجدید ساختار در بنگاه‌ها. دومین هدف شامل حمایت از خوشه‌ها، شبکه‌ها و بخش‌های صنعتی در جهت به هم پیوستن آنها به یکدیگر و یا به بنگاه‌های بزرگ است. سومین هدف به ترویج سرمایه‌گذاری برمی‌گردد. جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در جهت تولیدات صادرات‌گرا و بنگاه‌های بین‌المللی در جهت توسعه زنجیره تأمین و انتقال فناوری توسط SMEها به عنوان ابزاری برای دستیابی به بهبود فناوری و افزایش تولید کارخانه‌ای و صادرات خدمات می‌باشد.

● سیاست‌های مرتبط با اهداف اجتماعی رقابت‌مندی

سیاست‌های هم‌جهت با بهبود رقابت‌مندی که بر اهداف اجتماعی متمرکز می‌باشند این سیاست‌ها باید در جهت بهبود بخش‌های غیر رسمی و تولیدات روستایی با بهره‌وری پایین در سه جهت هدف‌گذاری شوند. حمایت از بخش‌هایی از اقتصاد که رشد اقتصادی بیشتر و توسعه تعاملات تجاری را تضمین می‌کنند، معرفی و حمایت از مؤسسات نوآور که منفعتی برای اصلاح بازار داخلی داشته‌اند و سوم حمایت از شبکه‌های همکاری‌های بین‌بنگاه‌ها و یا عوامل تولید که سرمایه اجتماعی محسوب شده و عملکرد آنها می‌تواند وضعیت طبقات فقیر جامعه را بهبود بخشد. توجه به بهداشت، آموزش و فراهم آوردن حداقل سطح زندگی برای افراد جامعه از چارچوب‌های حمایت‌کننده رقابت‌مندی محسوب می‌شود.

● سیاست‌های زیرساختی

یک شبکه زیرساختی کارآمد در کشورهای توسعه‌یافته باید بتواند هزینه مبادله را برای فعالیت‌های اقتصادی فراهم آورد. این امر شامل حمل و نقل، آب، انرژی، خدمات و زیرساخت‌های ارتباطاتی می‌باشد. همچنین زیرساخت‌ها باید از بخش صنعت، شبکه خوشه‌های تولیدی و تسهیل تحقیق و توسعه حمایت کند.

رقابت‌مندی و توسعه ظرفیت‌های بهره‌ور در کشورهای در حال توسعه نیازمند حمایت سیاست‌های زیرساخت‌های جامعه است. از این رو، باید در سه جهت به این امر توجه شود. ابتدا اینکه این سیاست‌ها باید از بخش‌های فوق‌الذکر حمایت کند دوم اینکه مقررات تنظیمی مناسبی در جهت ایجاد فضای رقابت خصوصاً برای آن دسته از زیرساخت‌هایی که نیازمند تأمین مالی زیادی دارد، وضع شود. سوم نیز اینکه زیرساخت‌های تحت مدیریت دولت باید در جهت توسعه ظرفیت بخش خصوصی در تولید خدمات و محصولات با ارزش افزوده بالا به کار گمارده شود.

● سیاست‌های محیط زیستی

بدین معنی که سیاست‌های محیط زیستی و سایر سیاست‌های مورد نظر برای دستیابی به رقابت‌مندی هم‌جهت با استراتژی توسعه تجاری اتخاذ شود. این امر نیاز به نوآوری در اجرای سیاست‌های محیط زیستی دارد به گونه‌ای که بتواند هم‌جهت با سایر سیاست‌ها به رقابت‌مندی دست یافت و صادرات کالاها و خدمات بر پایه (bio-diversity) را ترویج نمود.

۵- پیشنهادهایی برای کشورهای در حال توسعه

یکی از نتایج حایز اهمیت از توضیحات مشروح در بالا می‌تواند به اینگونه ترسیم شود که مقصد سیاست‌های رقابت‌مندی، اهداف اقتصادی و اجتماعی و محیط زیستی است. این سیاست‌ها باید بتواند به طور کارایی با ارتقاء بخشیدن به پیوستن کشورهای در حال توسعه در اقتصاد جهانی، پشتیبان توسعه این کشورها باشد. از این رو، یک سیاست رقابت‌مندی برای توسعه پایدار، به شرح زیر تعریف می‌شود:

"... تحکیم و ارتقاء ساختارهای تولید، ظرفیت تجارت و نهادهای سیاسی یک کشور، با یک چشم اندازی از بهبود توانایی آن برای پیوستن مثبت در سیستم جهانی در بلند مدت، رشد اقتصادی با ثبات مبتنی بر تولید کالاها و خدمات تولیدی که رقابت بین‌المللی را تحت وضعیت بازار آزاد آزموده است، در حین گسترش درآمدهای حقیقی و آزادی حقیقی برای شهروندان و بکارگیری منابع طبیعی و محیط زیستی در یک راه پایدار، حفظ و نگهداری ارزشهای برای منفعت نسلی فعلی و آینده"^{۶۳}

بر پایه تعاریف و استدلال‌های بیان شده در بالا، سیاست‌های رقابت‌مندی در کشورهای در حال توسعه نمی‌تواند در سطح بنگاه‌ها و یا ایجاد محیط اقتصاد کلان مناسب یا صرفاً ارتقاء FDI با این فرض که سرمایه‌گذاری خارجی به طور اتوماتیک سرریز تکنولوژیکی کارآمدی را تسهیل می‌کند، محدود شود. فعالیت‌های سیاسی در جهت رقابت‌مندی باید به طور مستقیم موارد زیر را هدف گذاری کند:

- بهبود توانایی بنگاه‌ها و زنجیره تولیدی به ابداع و تکنولوژی ثبت شده در یک راهی که تغییرات در تجارت کشورها را تسهیل می‌کند. این امر باید در جهت تولید کالاها و خدمات با ارزش افزوده هدایت شود.
- تحکیم سازمانی بنگاه‌ها در جهت تولید انبوه، عمدتاً SMEها، و خوشه‌های صنعتی که می‌توانند با تجارت بین‌المللی، به طور کارآمدی از طریق ارتباط با فعالین و شرکت‌های مهم اقتصادی مرتبط می‌شوند، همچنین این امر سبب افزایش بنیان‌های باثبات ظرفیت‌ها است برای ایجاد شغل بهتر و تقویت اثرات مثبت تجارت در اقتصاد داخلی.
- مشارکت کردن در کارایی اجتماعی سیاست‌های اقتصادی در کل، بدین معنی که باید به فعالیت‌های مثبت بخش‌های غیر رسمی شهری و تولیدات روستایی که با بهره‌وری پایین می‌باشند، توجه شود. اهداف این سیاست فرآیند تغییر ساختاری است که سرعت در

مهاجرت و انتقال اشتغال بین آن دو طیف را بهبود می‌بخشد.

- تدوین مسیرهای اصلی برای اهداف محیط زیستی و ضوابطی به عنوان پی آمدی میان بر در سیاست‌ها (افقی و گزینشی)، برای تضمین ثبات در موارد مداخله در منابع طبیعی، و افزایش فرصتهایی برای کشورهای در حال توسعه برای رقابت موفقیت آمیز در بازارهای جهانی که به طور فزاینده‌ای تقاضا برای کارایی محیط زیستی را افزایش دهد.
- ارتقاء ظرفیت‌های نهادها در تصدی توسعه مولد و سیاست‌های تجاری، به وسیله بهبود ظرفیت‌های موجود برای طراحی و پیاده‌سازی سیاست‌ها، همانند مقررات مذاکره تجاری در سطح بین‌المللی.
- تدوین سیاست‌های ارتقای دانش، بهبود سطح زندگی و رفاه افراد جامعه برای ایجاد فضای توانمندسازی افراد آن جامعه، در این جهت که فضای زندگی آنان امکان ابداع و نوآوری آنها را فراهم آورده و از آنها حمایت نماید.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

- ۳۱- World Economic forum
 ۳۲- بهکیش، محمدمهدی؛ اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن، نشر نی، ۱۳۸۰
 ۳۳- UNCTAD
 ۳۴- مأخذ شماره ۳
 ۳۵- International Institute of Management Development (IMD)
 ۳۶- مأخذ شماره ۳
 ۳۷- Hitt
 ۳۸- مأخذ شماره ۳
 ۳۹- European Competitiveness Report, ۲۰۰۰
 ۴۰- IMD, ۲۰۰۳
 ۴۱- World Economic Forum, ۱۹۹۶
 ۴۲- IMD, ۱۹۹۱
 ۴۳- Scott, B. R. and Lodge, G. C. ۱۹۸۵
 ۴۴- Buckley, P. J. et al, ۱۹۸۸
 ۴۵- Competitiveness Advisory Group, ۱۹۹۵a
 ۴۶- Competitiveness Advisory Group, ۱۹۹۵b
 ۴۷- OECD, ۱۹۹۷a
 ۴۸- OECD ۱۹۹۷b; ECLAC ۱۹۹۰ شورای مشاورین اقتصادی ایالات متحده،
 ۴۹- Krugman and samers ۱۹۸۸

۵۰- قانون رقابت؛ معاونت برنامه ریزی و امور اقتصادی وزارت بازرگانی.

۵۱- بنابر این دیدگاه عدم تعادل های ایجاد شده در اقتصاد موقتی بوده و چنانچه نیروهای بازار با آزادی عمل کنند، آنگاه در اقتصاد تعادل برقرار خواهد شد. در حقیقت این دیدگاه با تأکید بر شفافیت بازار و سازوکار قیمت معتقد است که با توجه به رفتار عقلایی عامل های اقتصادی، در شرایط رقابت کامل اقتصاد همیشه در تعادل و اشتغال کامل می باشد. زیرا درآمدهای حاصل از اشتغال عوامل تولید، تقاضای کافی را برای بازار محصول فراهم ساخته و به دلیل انعطاف پذیری قیمت ها، نه در بازار محصول مازاد عرضه و تقاضا وجود دارد و نه در بازار کار بیکاری مشاهده می شود.

۵۲- Ruffin (۱۹۹۰). P. ۷۸۹

۵۳- رنانی (۱۳۷۶). ص ۱۳۹.

۵۴- Market Imperfection

۵۵- Schiller (۱۹۸۶). pp. ۶۳-۶۴

۵۶- دفاع تفصیلی از این دیدگاه توسط "جان گالبرایت" ارائه شده است. برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به Galbraith, (۱۹۷۷)

۵۷- آنها اعتقاد دارند که دولت تنها میتواند با اعمال سیاست های پیش بینی نشده، در کوتاه مدت اثر بگذارد. دولت از این سیاست حتی برای چند دوره نمی تواند بهره گیرد، چون ناسازگاری زمانی سیاست های اعلام شده دولت منجر به بی اعتمادی افراد می شود و در نتیجه اثرگذاری سیاست های وی را حتی در کوتاه مدت از بین می برد. برای کسب اطلاعات بیشتر مراجعه شود به: Cowden et al (۱۹۹۴)

۵۸- Nirvana fallacy

۵۹- Evenett, S.J., Levenstein, M.C. and Suslow, V.Y. (۲۰۰۲)

۶۰- جرالد میر، از اقتصاد کلاسیک تا اقتصاد توسعه، ترجمه دکتر غلامرضا آزاد(ارمکی)

۶۱- مرجان فقیه نصیری، رساله دکتری، دانشگاه علامه طباطبایی

۶۲- Werner Corrales - leal: ۲۰۰۶

۶۳- همان مأخذ ۶۱.

پی‌نوشت‌ها:

۱- توسعه انسانی دیدگاه و راهبرد؛ کیث گریفین تری مک کنلی؛ ترجمه غلام رضا خواجه پور، انتشارات وداد؛ ۱۳۷۷

۲- واژه رقابت‌مندی معادل Competitiveness به کار گرفته شده است اگرچه در کشور، اغلب واژه «رقابت‌پذیری» استفاده می‌شود، به نظر می‌رسد رقابت‌مندی معادل درست‌تری باشد.

۳- Haberler, G. in B. Ohlin et.al. (eds.) ۱۹۷۷

۴- Smith, Adam (۱۷۷۶)

۵- Acquired Advantage

۶- Ricardian Trade Model

۷- Ricardo, David (۱۸۱۷)

۸- در این زمینه که قانون مزیت نسبی توسط کدامین اقتصاددان مطرح شده نیز اختلاف نظر وجود دارد که خود حاکی از اهمیت آن است. به عقیده «دی ولث»، ریکاردو در انگیزه تجارت بیشتر بر مفهوم سود و نرخ اجاره تأکید داشته و مفهوم مزیت نسبی توسط «جیمز میل» و به واسطه دوستی نزدیک اش با ریکاردو، در چند صفحه از کتاب «اصول اقتصاد سیاسی و مالیات» ریکاردو، تشریح شده است. گروهی نیز تئوری مزیت نسبی را متعلق به «رابرت تورنز»؛ ۱۸۶۴-۱۷۸۰ «افسر ارتش بریتانیا و صاحب امتیاز روزنامه پرنفوذ «گلوب» می‌دانند.

۹- Bertil Gotthard Ohlin (۱۸۹۹-۱۹۷۹)

۱۰- Ohlin, Bertil. (۱۹۳۳)

۱۱- Samuelson, Paul A (۱۹۴۸)

۱۲- Meade, James Edward (۱۹۵۲)

۱۳- Vernon Production Cycle. ۱

Hong, Wontack. "International Trade, A Provisional Lecture Note", Chapter ۱۷. منبع

۱۴- Timing of Innovation

۱۵- Krugman, P (۱۹۸۱)

۱۶- Krugman, P (۱۹۸۴)

۱۷- Grossman, G and Helpman, E (۱۹۹۰b)

۱۸- Rivera-Batiz, L and Romer, P (۱۹۹۱b)

۱۹- نگاه کنید به دو مطالعه:

: Taylor, M (۱۹۹۳), "Quality Ladders and Ricardian Trade", Journal of International Economics, ۳۴, ۲۲۵-۴۳.

: Taylor, M (۱۹۹۴), "Once- and Continuing Gains From Trade", Review of Economic Studies, ۶۱, ۵۸۹-۶۰۱.

۲۰- Profit-Seeking Investment in Research and Development (R & D)

۲۱- Young, A (۱۹۹۱)

۲۲- Learning By Doing

۲۳- Stokey, N (۱۹۹۱)

۲۴- Matsuyama, K (۱۹۹۲)

۲۵- Sachs, J and Warner, A (۱۹۹۵)

۲۶- Porter Michel E (۱۹۹۰)

۲۷- OECD ۱۹۹۶

۲۸- OECD programe on technology and the Economy ۱۹۹۲

۲۹- US council on competitiveness

۳۰- National competitiveness council of Ireland, ۲۰۰۱

منابع فارسی:

- بهکیش، محمدمهدی، "اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن"، نشر نی، ۱۳۸۰.
- میر، جرالده، "از اقتصاد کلاسیک تا اقتصاد توسعه"، ترجمه غلامرضا آزاد ارمکی، نشر میترا، ۱۳۷۵
- گریفین، کیت و تری مک کنلی، "توسعه انسانی؛ دیدگاه و راهبرد"، ترجمه غلامرضا خواجه پور، نشر وداد، ۱۳۷۷
- حسینی، سید شمس‌الدین، "ارتقای توان رقابت (رقابت‌مندی)، چالش اصلی توسعه صادرات کشور"، دفتر مطالعات اقتصادی، وزارت بازرگانی، ۱۳۸۳.
- مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، "مزیت رقابتی و رقابت‌پذیری صنعت قطعات خودرو ایران، ۱۳۸۳.
- معاونت برنامه‌ریزی و امور اقتصادی وزارت بازرگانی، «قانون رقابت».
- رنانی، محسن، "بازار یا نابازار، بررسی موانع نهادی کارایی نظام اقتصادی بازار در اقتصاد ایران"، وزارت بازرگانی، ۱۳۷۶.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

- Corrales- leal ; Werner, (2006) "Competitiveness Revisited: A Policy Approach For Achieving" UNCTAD.
- Competitiveness Advisory Group,(1995a),"Enhancing European Competitiveness". First report to the President of the Commission, the Prime Ministers and the Heads of State.
- Competitiveness Advisory Group,(1995b)Enhancing European Competitiveness". Second report to the President of the Commission, the Prime Ministers and the Heads of State,
- Grossman, Gene M. And Elhanan Helpman (1990b), "Comparative Advantage and Long Run Growth," American Economic Review, 80: 796-815.
- Haberler G. in B. Ohlin et. al. (eds.) "The International Allocation of Economic Activity: Proceedings of a Nobel Symposium", Holmes and Meier, New York, 1977, p. 4.
- International Institute of Management Development (IMD)(2004), "world Competitiveness Yearbook",
- Krugman, P (1987) `The Narrow Moving Band, the Dutch Disease, and the Competitive Consequences of Mrs Thatcher: Notes on Trade in the Presence of 30 Dynamic Scale Economies', Journal of Development Economics, 27, 41-55.
- Krugmn, Paul R. (1984), "Import Protection as Export Promotion: International Competition in the Presence of Oligopoly and Economies of Scale," in Henryk Kierzkowski (ed.). Monopolistic Competition and International Trade, Oxford: Claredon Press, 180-193.
- OECD(1992), " programe on technology and the Economy", Paris.
- OECD, (1996a), "Industrial Competitiveness, OECD, Paris.
- OECD, (1997a), "Industrial Competitiveness in the Knowledge-based Economy: The New Role of Governments", OECD, Paris.
- OECD, (1997b), "Industrial Competitiveness: Benchmarking Business Environments in the Global Economy, OECD, Paris.
- Ohlin, Bertil. (1933) "Interregional and international trade". Cambridge, MA: Harvard University Press,.
- Porter, Micheal E. (1998) "The Competitive advantage of Nation," Harvard University.
- Ricardo, David (1817), "On the Principles of Political Economy and Taxation", Chapter 7, Paragraph 16, London: John Murray, Albemarle-Street.

- Rivera-Batiz, Luis A. and Paul M. Romer (1991b), "International Trade with Endogenous Technological Change," European Economic Review, 35: 971-1004.
- Samuelson, Paul A (1948), "International Trade and the Equalization of Factor Prices", Economic Journal 58, (June), pp. 163-184.
- Scott, B. R. and Lodge, G. C. , (1985) "US Competitiveness in the World Economy",
- Taylor, M. Scott (1993), "Quality Ladders and Ricardian Trade," Journal of International Economics, 34: 225-243.
- Taylor, M. Scott (1994), "TRIPs, Trade and Growth," International Economic Review, 35: 361-381.
- UNCTAD; (2002), " The Relationship Between Competition, Competitiveness and developmen"t.
- World Economic Forum ,(1996) "Global Competitiveness of growth in GDP per capita. Report"
- World Economic Forum,(2003) " Global Competitiveness Report 2002- 2003"
- World Economic Forum, (2004) "Global Competitiveness Report 2003- 2004"



پروگرام گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
 رتال جامع علوم انسانی